

نقش بخش خصوصی و دولتی در اقتصاد کشاورزی

پوریا سعدالهی^۱

دکترای گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند

چکیده

سرمایه گذاری محرک رشد اقتصادی هر کشور به شمار می آید. سرمایه گذاری در اغلب کشورها، به ویژه در کشور های در حال توسعه، از جمله ایران، توسط بخش خصوصی و دولتی انجام می گیرد. از میان سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. سرمایه گذاری در بخش کشاورزی علاوه بر این که موجب رشد، تولید و اشتغال در این بخش می شود، با توجه به ارتباطات پسین و پیشین با سایر فعالیت ها، به رشد، تولید و اشتغال در سایر بخش ها نیز کمک می کند. بخش کشاورزی به دلیل ارزش افزوده ی تولیدی مهم ترین بخش اقتصادی کشور بوده، اما در سال های گذشته، همواره سهم اندکی از سرمایه گذاری کل کشور به این بخش اختصاص داده شده است. با توجه به بالا بودن کارایی سرمایه گذاری و بهره وری نیروی کار در این بخش نسبت به بخش های دیگر، به دلایلی همچون ریسک بالای سرمایه گذاری، تورم لجام گسیخته و نبود ثبات اقتصادی، سرمایه گذاران تمایلی به فعالیت در بخش کشاورزی ندارند. در ایران دولت مهم ترین پشتوانه ی بخش کشاورزی به حساب می آید که می تواند با ایجاد فضای امن سیاسی، اقتصادی و سیاست های حمایتی و سرمایه گذاری طولانی مدت، باعث رشد و توسعه ی بخش خصوصی شود. در این پژوهش به بررسی روند سرمایه گذاری خصوصی در ایران، اقتصاد کشاورزی در ایران و جهان و راهبرد هایی امنیت و حفظ سرمایه گذاری، پرداخته می شود.

واژه های کلیدی: اقتصاد کشاورزی، بخش خصوصی، بخش دولتی

¹ Corresponding author:

psaadollahi@yahoo.com

+989181336703

مقدمه

بخش کشاورزی به عنوان بخش پایه و استراتژیک اقتصاد، تامین کننده ی غذا و مواد اولیه برای سایر بخش ها است و در صورت فعالیت مفید این بخش است که زمینه ی فعالیت و پیشرفت سایر بخش ها تهیه شده و کشور به سوی توسعه سوق می یابد. آن چه مهم است این است که توسعه و رونق صنایع با یک ابزار میسر نمی شود به خصوص بخش کشاورزی که به دلیل بهره وری پایین و داشتن ریسک های خارج از کنترل همواره به چندین ابزار حمایتی در کنار اعطای تسهیلات ارزان قیمت احتیاج دارد. در کشورهای پیشرفته بیش از ۱۰ نوع ابزار حمایتی متناسب با محصول تولیدی برای توسعه و پیشرفت بخش کشاورزی در اختیار می گیرند. بنابراین موتور محرک سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی همان پشتیبانی سرمایه گذاری های زیر بنایی دولت است. همچنین افزایش هدفمند میزان تسهیلات سرمایه ای بانک ها به ویژه از نوع ارزان قیمت می تواند موجب بهبود سرمایه گذاری در بخش کشاورزی باشد. سهم سرمایه گذاری بخش کشاورزی از کل سرمایه گذاری های صورت گرفته در کشور، متناسب با توانایی ها و نقش محوری آن در اقتصاد ملی نیست و نیاز بخش را تامین نمی کند (Pazhoyan & Khosravi, 2012).

سابقه ی نظری

روند سرمایه گذاری خصوصی در کشاورزی

از میان سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی اهمیت و جایگاه خاصی دارد. سرمایه گذاری در بخش کشاورزی علاوه بر این که موجب رشد تولید و اشتغال در این بخش می شود، با توجه به ارتباطات با سایر فعالیت های اقتصادی، به رشد تولید و اشتغال در سایر بخش ها نیز کمک می کند. باید گفت سرمایه گذاری بخش خصوصی از متغیر های مهم در توسعه بخش کشاورزی است. یافته های تجربی نشان می دهد نرخ تورم و ارزش افزوده مهمترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی است که در این میان حساسیت سرمایه گذاری خصوصی نسبت به ارزش افزوده بیش از دیگر متغیر هاست. البته متغیرهای دیگری از جمله تغییرات ساختاری نظیر مالکیت زمین، میزان کنترل و دخالت دولت، وضعیت سودآوری کشاورزی نسبت به بخش های دیگر، وجود امکانات زیربنایی لازم و غیره بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی مؤثرند (Jafari & Mohammadi, 2012).

منابع مالی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی از دو طریق تأمین می شود:

الف) سرمایه گذاری از محل پس انداز سرمایه گذاران

ب) تسهیلات اعتباری پرداختی توسط بانک ها به این بخش (Udoh, 2011).

ضریب تشکیل و انباشت سرمایه و پس انداز در میان بهره برداران بخش کشاورزی بسیار پایین است به طوری که درآمد اکثر آن ها صرف هزینه های جاری زندگی شان شده و حتی بسیاری از آن ها زندگی را به سختی می گذرانند. به همین دلیل سرمایه گذاری در بخش کشاورزی شدیداً به سرمایه گذاری دولت و اعتبارات بانکی به عنوان پایه اصلی سرمایه گذاری خصوصی وابسته است. روند سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی؛ با شروع اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۵ با وجود افزایش وام های اعطایی سرمایه ای از طرف بانک ها به سرمایه گذاران بخش خصوصی، به دلیل خروج سرمایه های شخصی زمین داران و انتقال آن به بخش های دیگر اقتصاد، به ویژه شهرها، سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی با کاهش روبه رو شد (Danesh jafari & Karimi, 2011). با تدوین مقررات تأسیس شرکت های بهره برداری از اراضی زیر سد ها و جلب سرمایه های داخلی و خارجی میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ افزایش یافته است. اما به علت کاهش شدید در وام های سرمایه ای پرداختی از طرف بانک ها، رشد سرمایه گذاری در سال ۱۳۴۹ به ۰.۵ درصد محدود شد. در سال های ۱۳۵۰-۵۴ مجدداً وام های پرداختی به کشاورزان افزایش یافت و در سال ۱۳۵۴ سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی به ۱/۸۳۳ میلیارد ریال رسید. در سال ۱۳۵۵-۵۸ در نتیجه کاهش وام های پرداختی بانک ها، تنش های سیاسی شروع انقلاب، سرمایه گذاری بخش خصوصی شدیداً کاهش یافت و از ۴۵/۸۰۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به

۲۹۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ رسید. در سال های ۱۳۵۹-۶۷ به دلیل جنگ و عدم ثبات اقتصادی، میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی با نوسانات متعدد مواجه بوده است. به دلیل فرار سرمایه ها به خارج از کشور سرمایه گذاری خصوصی در این بخش در سال ۵۸ به پایین ترین میزان خود رسید. در سال ۵۹ با توجه به کاهش درآمد ارزی دولت و در نتیجه کاهش صادرات نفت، به واردات مواد اولیه ی کشاورزی نسبت به صنعت و خدمات اولویت داده شد که به افزایش عرضه ی نهاده های کشاورزی انجامید و در نهایت سرمایه گذاری بخش خصوصی را به شدت افزایش داد. در سال ۱۳۶۱ به دلیل افزایش تورم، کاهش پس انداز و سرمایه گذاری در کل اقتصاد، سرمایه گذاری بخش خصوصی کاهش یافت. در سال های ۶۳ تا ۶۷ به دلیل افزایش تورم، کاهش درآمدهای نفتی و نیز کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی سرمایه گذاری در این بخش دچار نوسان های زیادی شد. همزمان با برنامه ی اول توسعه در دوره ۱۳۶۸-۷۲ با افزایش پرداختی نظام بانکی به بخش کشاورزی و همچنین حذف سیاست تثبیت قیمت محصولات کشاورزی سرمایه گذاری بخش خصوصی روند صعودی یافت. در برنامه ی دوم توسعه ۷۲-۷۶ سرمایه بخش خصوصی به دلیل افزایش اعتبارات بانکی روندی افزایشی به خود گرفت اما باز هم اهداف پیش بینی شده در برنامه به طور کامل برای بخش کشاورزی محقق نشد. در برنامه ی دوم توسعه، بخش کشاورزی محور توسعه قلمداد شده اما چون سرمایه گذاران به سود سرمایه گذاری توجه دارند و براساس آن تصمیم و اقدام به سرمایه گذاری می کنند و از طرف دیگر به دلیل وضعیت تورمی در دوره ی مذکور که موجب بی اطمینانی به آینده و عدم امکان ارزیابی دقیق هزینه ها و درآمدها و افزایش ریسک بخصوص برای کشاورزی که با ریسک فعالیتی هم همراه است، اهداف برنامه در بخش کشاورزی محقق نشده و به صنعت در طول این برنامه نسبت به کشاورزی اهمیت بیشتری داده شد (Rajaie & Khorasani, 2012). سرمایه گذاری در بخش کشاورزی تا حدودی از روند سرمایه گذاری کل تبعیت می کند ولی سهم آن از سرمایه گذاری کل نزولی بوده تا جایی که نسبت فوق از نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به تولید ناخالص ملی همواره کمتر بوده است. بنابراین موتور محرک سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی همان سرمایه گذاری های زیر بنایی دولت است. همچنین افزایش میزان وام های سرمایه ای بانک ها بویژه وام های ارزان قیمت می تواند موجب بهبود سرمایه گذاری در بخش کشاورزی باشد. تقریباً در تمام دوره های بررسی شده کاهش و افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی شدیداً وابسته به میزان وام های اعطایی از طرف دولت بوده است. بنابراین به نظر می رسد رویکرد دولت در اعطای وام های ارزان قیمت به بخش کشاورزی چنان چه به موقع و به طور برنامه ریزی شده اجرا شود، می تواند چندین هدف را به طور همزمان پوشش دهد. توسعه و رونق بخش کشاورزی، افزایش اشتغال در قالب طرح های زود بازده و کوچک و همچنین تأمین امنیت غذا و خودکفایی و رشد صادرات غیر نفتی در قالب محصولات کشاورزی می تواند از نتایج این ارائه تسهیلات ارزان قیمت به بخش کشاورزی باشد (Mirzaie & Mirzaie, 2011). اما آن چه مهم است این که توسعه و رونق صنایع با یک ابزار میسر نمی شود بخصوص بخش کشاورزی که به دلیل بهره وری پایین و داشتن ریسک های خارج از کنترل همواره به چندین ابزار حمایتی در کنار اعطای تسهیلات ارزان قیمت احتیاج دارد. در کشورهای پیشرفته بیش از ۱۰ نوع ابزار حمایتی متناسب با محصول تولیدی برای توسعه و پیشرفت بخش کشاورزی در اختیار می گیرند. نتیجه یک پژوهش در زمینه اثر وام های اعطایی بانک کشاورزی با استفاده از مدل های اقتصاد سنجی نشان می دهد که اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه مدت بر اشتغال و در بلند مدت بر سرمایه گذاری تأثیر مثبت داشته است (Yari, 2011). اگرچه در ادبیات توسعه بارها به این مطلب اشاره شده که در روند توسعه از اشتغال بخش کشاورزی کاسته و مازاد نیروی کار این بخش به بخش های صنعت و خدمات منتقل شده است، اما باید به این نکته توجه کرد که این مطلب در شرایطی صادق است که از همه ی امکانات موجود استفاده ی کامل شود. در ایران از زمین، آب، اقلیت های متفاوت و... به طور کامل و بهینه استفاده نمی شود و بنابراین هنوز هم می توان با برنامه ریزی درست و مناسب از منابع موجود و یا خلق منابع جدید، که با سرمایه گذاری بخش خصوصی پویا و فعال صورت می گیرد، بخش کشاورزی را توسعه داد. در این نوشتار سعی بر آن است تا با بررسی جالش های موجود در بخش

کشاورزی به ویژه شرائط خاص ژئوآکونومیک ایران با نگاهی به ویژگی های خاص اقتصاد کشاورزی ایران در ابعاد تولید و مصرف، آن چه فراروی سرمایه گذاران داخلی و خارجی می باشد را به رشته تحریر درآورد.

اقتصاد کشاورزی ایران

بخش کشاورزی به همراه شکر، جنگل داری و ماهی گیری از کل ارزش افزوده ی بخش های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی طبق آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در سال 1386 سهم 11/2٪ و از میان شاغلان 10 ساله و بیشتر بدون در نظر گرفتن کارگران فصلی 22/8٪ را به خود اختصاص داده است. از مجموع 3/47 میلیون واحد بهره برداری در کشور حدود 86/7 درصد آن ها را واحدهای زیر 10 هکتار تشکیل داده و متوسط اندازه ی واحد های زیر 10 هکتار طی سال های مورد بررسی کاهش یافته است و میانگین کل کشور نیز طی این دوره از 6/05 به 5/07 هکتار رسیده است. بنا به گزارش مرکز پژوهش های مجلس بیش از 90 درصد آب کشور در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرد که اگر تنها راندمان کاربردی آب در این بخش به میزان 5 درصد افزایش یابد، مقدار آب صرفه جویی شده معادل با کل نیاز بخش های دیگر خواهد بود. از دیدگاهی دیگر روند کاهش جمعیت روستایی در بردارنده ی این پیام است که باید به دنبال ایجاد فضایی مناسب برای مواجهه با این پدیده باشیم به عبارتی دیگر باید ظرفیت های جدید در اقتصاد کشور و مناطق روستایی تعریف شود و به طور منطقی با این روند کاهشی برای بلندمدت و معیشت و اقتصاد جامعه استفاده شود. آمار ها همچنین ما را مجبور به پذیرش دو واقعیت می کند، یکی این که سرانه ی دستیابی به زمین در بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران اندک است (0/7 هکتار) و این در حالی است که این میزان در کشورهای توسعه یافته 59/6 هکتار است (Afshar anvari & Marashi, 2014). حال با افزایش رو به انفجار جمعیت و نیاز این جمعیت به تامین غذا، کاهش سرانه ی زمین برای هر شاغل کشاورزی و گسترش خرده مالکی در کشور، وضعیت رو به گزار از اقتصاد معیشتی، سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری در میان شاغلین بخش و بالطبع افزایش مهاجرت از روستا ها به شهر ها شکاف وسیع مطالعه در افزایش بهره وری عوامل این بخش را واضح می سازد. با وجود این که سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی و امنیت غذایی کشور بالاست اما فقط 5 درصد از کل سرمایه گذاری های کشور به این بخش اختصاص پیدا کرده است، یکی دیگر از مشکلات در بخش کشاورزی پایین بودن سطح تکنولوژی در این بخش است، فناوری های نوین کمتر در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار گرفته و همین باعث شده که در زمینه ی بهره وری عوامل تولید از منابع موجود در کشور به خوبی استفاده نشود به عنوان مثال در مورد مکانیزاسیون، ایران هم از نظر ضریب مکانیزاسیون و هم از نظر درجه ی مکانیزاسیون در سطح بالایی قرار ندارد، از نظر آبیاری های نوین سطح کمی از اراضی تحت پوشش قرار دارد، کمتر از ده درصد بخش کشاورزی با سامانه های نوین آبیاری، آبیاری می شود و مابقی به صورت سنتی است در نتیجه بهره وری آب در این بخش پایین است. از آنجائی که با افزایش درآمد کشاورزان ضمن بهبود سطح زندگی، میل و رغبت این قشر زحمت کش به تداوم کار در این عرصه افزایش می یابد ولی با توجه به عدم ساماندهی مناسب در عرصه ی بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی، کمترین سود حاصل از تولیدات این بخش عاید تولید کننده می گردد و این موضوع تمایل سرمایه گذاران به فعالیت در این بخش را کم رنگ ساخته است. حال با افزایش جمعیت و نیاز این جمعیت به تامین غذا، کاهش سرانه ی زمین برای هر شاغل کشاورزی و گسترش خرده مالکی در کشور، وضعیت رو به گزار از اقتصاد معیشتی، سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری در میان شاغلین بخش و افزایش مهاجرت از روستا ها به شه رها شکاف وسیع مطالعه ی رفع چالش های موجود را روشن می سازد (Gholamali & Asghari, 2011).

تحلیل تطبیقی اقتصاد کشاورزی ایران و جهان

از میان سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی اهمیت و جایگاه خاصی دارد. سرمایه گذاری در بخش کشاورزی علاوه بر این که موجب رشد تولید و اشتغال در این بخش می شود، با توجه به ارتباطات با سایر فعالیت های اقتصادی، به رشد تولید و اشتغال در سایر بخش ها نیز کمک می کند. بر اساس سازمان خواربار و کشاورزی ملل

متحد (فائو)، طبق گزارش جدید این سازمان، به منظور تولید غذای کافی برای جمعیت 9/1 میلیاردی جهان در سال 2050، باید 83 میلیارد دلار سرمایه گذاری خالص در کشاورزی کشورهای در حال توسعه صورت گیرد. در این گزارش آمده است سرمایه گذاری در کشاورزی باید حدود 50 درصد افزایش یابد (Azevedo & Paxson, 2014). از این سرمایه گذاری پیش بینی شده، حدود 20 میلیارد دلار برای تولید محصولات کشاورزی و 13 میلیارد دلار برای تولید محصولات دامی اختصاص خواهد یافت. سرمایه گذاری برای مکانیزاسیون بیشترین سهم از این بودجه را دارد و پس از آن، توسعه و بهبود سیستم آبیاری قرار دارد. 50 میلیارد دلار دیگر برای ارایه ی خدمات جهت رسیدن به هدف افزایش 70 درصدی تولید بخش کشاورزی و افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی یکی از مشخصه های مربوط به آن باید توسط بخش خصوصی صورت گیرد. البته سرمایه گذاری دولتی برای ایفای بهتر وظیفه ی نظام کشاورزی و ایجاد امنیت غذایی باید انجام شود که پژوهش و توسعه در بخش کشاورزی از اولویت های سرمایه گذاری دولتی می باشد. در سال 2000 کل سرمایه گذاری بخش دولتی در پژوهش و توسعه ی کشاورزی در جهان فقط حدود 23 میلیارد دلار و بسیار نابرابر بود. کمک های رسمی توسعه به بخش کشاورزی بین سال 1980 و 2005 حدود 58 درصد کاهش یافت و از سهم 17 درصدی در سال 1980 به 3/8 درصدی در سال 2005 رسید و اکنون در حد 5 درصد باقی مانده است. اما دغدغه های اقتصادی و سیاسی در مورد پدیده ی تصاحب زمین در کشورهای مختلف رو به افزایش است. برای چنین موضوعی باید راه حلی اندیشید که منافع آن به اکثر مردم برسد و امنیت غذایی آنان را تامین نماید (Barbosa et al., 2015). بررسی روند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران طی سال های 1394 تا 1396 نسبت به سه سال 1391 تا 1393 بیانگر کاهش 9/4 درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص این بخش است. در سه سال پایانی برنامه سوم رشد میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به طور متوسط 29/8 درصد بوده است در حالی که این رشد در سه سال اول برنامه ی چهارم 21/4 درصد برآورد شده است. مجموع رقم تشکیل سرمایه ی ثابت ناخالص بخش کشاورزی در سه سال 1391 تا 1393 بر حسب قیمت های جاری 53 هزار و 172 میلیارد ریال بوده و در سه سال 1394 تا 1396، 96 هزار و 337 میلیارد ریال سرمایه گذاری در این بخش انجام شده است. همچنین آمار سرمایه گذاری در ماشین آلات کشاورزی نشان می دهد در سال 1396 نسبت به سال قبل از آن کاهش 86/2 درصدی در تشکیل سرمایه ی ثابت ناخالص این بخش وجود داشته است. متوسط رشد سرمایه گذاری در سال های 1393-1391، 17/6 درصد محاسبه شده و در سال های 1396-1394 متوسط این رشد 45/3 درصد بوده است. سرمایه گذاری در ساختمان بخش کشاورزی 28/3 درصد کاهش یافت. اما متوسط سرمایه گذاری در ساختمان سازی این بخش طی مدت مورد بررسی از 41 درصد به 12/7 درصد رسید که 28/3 درصد کاهش نشان می دهد. مجموع سرمایه گذاری در این بخش بر حسب قیمت های جاری از 27 هزار و 933 میلیارد ریال در سال های 1393-1391 به 50 هزار و 180 میلیارد ریال رسیده است. بخش کشاورزی در کشور ما به عنوان یکی از ارکان اقتصادی سهم بالایی در صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال و ارزش افزوده دارد. به طور کلی بخش کشاورزی را می توان به چهار زیر بخش عمده زراعت، باغبانی، دامپروری، شیلات و جنگلداری تقسیم و به نسبت ضریب هر یک جهت تخصیص منابع و سرمایه گذاری در آن برنامه ریزی کرد. با توجه به اینکه بیش از 95 درصد حوزه ی کشاورزی در اختیار بخش خصوصی است، پیشرفت آن منوط به انجام سرمایه گذاری مناسب خواهد بود. بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به شدت محتاج سرمایه است. ده ها سرمایه گذاری اندک منجر به از حرکت افتادن بهره روری و سطوح تولید شده است (Afshar anvari & Marashi, 2014).

تامین امنیت؛ ضرورتی برای سرمایه گذاری

در راستای اهداف توسعه ی هزاره (از اسناد مورد توافق در سازمان ملل) مبنی بر نصف شدن میزان گرسنگان جهان تا سال 2015، سازمان خواروبار جهانی نشان داده است که سالانه حداقل 30 میلیارد دلار وجوه اضافی مورد نیاز است. همچنین ریشه کنی کامل گرسنگی تا سال 2050 سالانه چیزی در حدود 90 تا 100 میلیارد دلار هزینه ی اضافی در برخواهد داشت. ظرفیت کشورهای در حال توسعه برای پر کردن این شکاف ها محدود بوده و کمک های مالی دیگر کشورها نیز گزینه چندان کارگشایی

نیستند (Jude et al., 2016). در حقیقت سهم کمک هایی که به سوی بخش کشاورزی سرازیر می شوند، به زیر 5 درصد کاهش یافته است. شاید بتوان دلیل این گرایش ضعیف به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی که می تواند محور توسعه قرار گیرد را در عدم اطمینان خاطر از برگشت سرمایه جستجو کرد؛ البته کلیه ی صاحب نظران بر بلاخیز بودن ایران اتفاق نظر دارند، که جایگاه دهم ایران در میان کشورهای بلاخیز گواه این مدعاست. از میان 40 نوع بلابای طبیعی 31 نوع آن در ایران محقق می شود. آخرین گزارش منتشر شده در جهان مبین این است که ایران از 235 حادثه ی طبیعی و فنی طی 42 سال، یازدهمین کشور حادثه خیز جهان شناخته شده است که البته چون هر چالشی این امر نیز با دارویی به نام بیمه قابل درمان است. با تصویب قانون بیمه ی کشاورزی در تاریخ 22 دیماه سال 1387 مبنی بر بیمه ی عوامل تولید؛ راه برای توسعه ی خدمات بیمه ی کشاورزی در جهت حفظ سرمایه و افزایش امنیت سرمایه گذاری بازتر شده و این امکان را به سرمایه گذاران می دهد که با اطمینان خاطر بیشتری به سرمایه گذاری در این بخش بپردازند (Sidayi et al., 2011).

راهکارهای حفظ و افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی

یکی از مشخصه های بارز بخش کشاورزی ایران درصد بالای سهم بخش خصوصی در حدود 95٪ است. هرچند سهم بالای بخش خصوصی موجب شده است در مواردی که نرخ بازگشت سرمایه پائین بوده است؛ بنگاه تعطیل و سرمایه آن ها به سمت بخش های خدمات رفته و موجب افزایش نرخ بیکاری، مهاجرت به شهرها و دست آخر کاهش تولید در این بخش می شود، بنابراین باید از حالت فعالیت هایی که به صورت اقتصاد معیشتی است به سمت فعالیت های سودآوری برود. هرچه سودآوری در این بخش افزایش داشته باشد، زمینه ی جذب سرمایه هم افزایش می یابد، از طرف دیگر یک سری قوانین و مقررات باید اصلاح شود تا ما بتوانیم زمینه ی فراهم شدن جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی را فراهم کنیم، لذا در برخی موارد قوانین دست ما را بسته است که باید در برخی موارد آن اصلاحاتی صورت گیرد. از طرف دیگر ما باید به سیاست های پشتیبانی کننده ی بخش کشاورزی هم بپردازیم، یعنی علاوه بر این که مفهوم کشاورزی را یک مفهوم اقتصادی می کنیم، اعم از واحد های تولیدی یا سطوح ملی، باید اقداماتی انجام دهیم که امنیت سرمایه گذاری افزایش یابد، که یکی از این موارد بحث سیاست گذاری ها است، یعنی سیاست های ما در بحث صادرات و واردات باید پشتیبانی کننده ی تولید و از ثبات برخوردار باشد، به معنای دیگر وقتی کسی در زمینه ای در بخش کشاورزی می خواهد سرمایه گذاری کند بداند که نیاز کشور چیست، تا چه حد می تواند صادر کند و سیاست ها دارای ثبات است و تغییر پیدا نکند و در حقیقت به نوعی بتواند یک برنامه بلند مدت را برای سوددهی طرح ریزی کند (Amir nezhad, 2015).

از مهمترین راهکار های حفظ و افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی می توان از عناوین زیر یاد کرد:

- 1- ثبات قوانین و مقررات
- 2- معافیت های مالیاتی و عوارض
- 3- تقویت بیمه

اقدامات راهبردی برای حفظ و توسعه زیر ساخت های سرمایه گذاری

همانگونه که قبلا گفته شد نزدیک به 95٪ کشاورزی سهم بخش خصوصی است، که از طرفی مزیت و از طرفی با کوچکترین بحران بازار و شرایط اقلیمی سرمایه به بخش های دیگر منتقل می شود. از سویی دیگر بررسی ها نشان دهنده ی وجود خرده مالکیت در بخش است که به علت فقر مالی و اطلاعاتی و نیز اقتصاد معیشتی کشاورزی نقش دولت برای سرمایه گذاری پر رنگ تر می شود. دولت با اعطای تسهیلات بانکی می تواند سطح بهره وری کشاورزی را افزایش داده و بالطبع درآمد عایدی بخش افزایش می یابد. بدین ترتیب تمایل سرمایه های کلان برای فعالیت در این زمینه زیاد می شود. نگاهی گذرا به روند بازگشت سرمایه در بخش کشاورزی نشان دهنده ی مزیت دیگر این بخش است که بازگشت سرمایه در کوتاه مدت و میان مدت میسر می باشد که در بخش های دیگر در سطح کلان کمتر قابل دست یابی است. با ایجاد صنایع تبدیلی در نزدیکی قطب های تولیدی، هزینه های حمل و نقل، نیروی انسانی بومی و غیره برای تولید کننده کاهش یافته و مناطق حاصل خیز و

پر بازده ارزش بیشتری برای فعالیت کشاورزی پیدا می کنند و نه برای خدمات و داد و ستد زمین. تولید در فضای باز و عوامل و نهاده های طبیعی و تهدید از سوی همین عوامل که اگر در زمان نامناسب و یا مکان غیر دلخواه باشد تهدیدی برای تولید هستند نیز از شاخصه های این بخش می باشد. مضاف بر آن همچون هر فعالیت اقتصادی وجود ریسک در بازار محصولات؛ این بخش را آسیب پذیر کرده است. بنابراین ایجاد امنیت خاطر و آرامش برای سرمایه گذاری تولیدی کشاورزی رخ نمون شده و نقش بیمه ی کشاورزی و توسعه ی آن را نمایان می سازد. امروزه بسیاری از کشورها به دلیل عدم تکافوی منابع مالی برای سرمایه گذاری، به سرمایه گذاری خارجی چه به صورت مستقیم و یا به صورت سهام داری خارجی روی می آورند که سهولت و قابلیت اجراء و ثبات قوانین می تواند چراغ سبزی برای سرمایه گذاران خارجی باشد. البته ایران به خاطر قرار داشتن در کنار راه گذر های بین المللی و در اختیار داشتن نهاده های ارزان، ایجاد تسهیلاتی چون معافیت های مالیاتی، امکان فروش چه در بازار های بین المللی و چه در بازار خارجی، اعطای تسهیلات سرمایه گذاری مناسب را برای سرمایه گذاران خارجی ایجاد کرده است که می توان علت ضعف موجود در این زمینه را بازار یابی ضعیف برای جذب سرمایه های خارجی دانست.

نتیجه گیری

بخش کشاورزی به دلایل پیش گفته، با گریز سرمایه به دلیل عدم توان رقابت با بخش صنعت و به ویژه بخش خدمات است، این در حالی است که افزایش قیمت برخی نهاده ها و از جمله حامل های انرژی تأثیر مستقیم بر قیمت تمام شده کالاهای کشاورزی و ستانده ها در قیاس با داده ها و بهره وری بخش کشاورزی دارد که باید در آن اندیشید و طرح هدفمند کردن یارانه ها نیز عنایت ژرفی به موضوع داشته باشد. یکی از ابزارهای بسیار موثری که نباید معقول بماند موضوع بیمه ی کشاورزی است که در واقع تضمین کننده و جبران کننده ی زیان های ناشی از بلایای قهری و طبیعی و نیز توسعه ی بیمه درآمد و تضمین تولید است که زیان های بازار را زیر پوشش قرار می دهد. بحث دیگر موضوع تکمیل زنجیره ی تولید و اهمیت مضاعف به صنایع تبدیل است که در کنار بازار یابی مناسب هرچه بیشتر بخش را به سوی سودآوری سوق می دهد. این در حالی است که بررسی اولیه نشان می دهد، آثار مستقیم حذف یارانه حامل های انرژی در بخش زراعت 2 تا 40 درصد، افزایش هزینه در پی دارد که بسته به نوع محصول و میزان انرژی مصرفی 2 درصد کمترین مربوط به تولید شلتوک برنج و 40 درصد در تولید ذرت اتفاق می افتد. اثر حذف یارانه حامل های انرژی در بخش محصولات باغی بین 3 تا 23 درصد افزایش هزینه در بر دارد که 23 درصد مربوط به تولید خرما و نخلستان ها است، همچنین در بخش دام و طیور پروار بندی گوساله با 2 تا 3 درصد افزایش هزینه و تولید شیر و فرآوری آن 13 درصد افزایش هزینه خواهد داشت. این افزایش قیمت های متصور در شرایط وضع موجود است، اما در همین محاسبات برخی از تولیدکنندگان عملکرد 2 تا 3 برابر میانگین عملکرد کشور دارند، بنابراین با افزایش بهره وری امکان دستیابی به عملکرد بیشتر وجود دارد و منجر به این می شود که آثار افزایش هزینه را کاهش می دهد. در هدفمندی یارانه ها در بخش کشاورزی حرکت به سمت مبارزه بیولوژیک و استفاده از کودهای زیستی و تولید محصولات ارگانیک مد نظر است. یکی از این ابزارهای حمایتی تعرفه های واردات است که باید به جای عدد تعرفه به نظام تعرفه ای توجه شود. در بخش نظام تعرفه ای چند گزینه وجود دارند که باید از همه ی انواع آن استفاده شود، تعرفه سهمیه ای یکی از انواع تعرفه است که برای کالای مورد نیاز، به قدر نیازمندی واردات انجام شود و پیش از سقف آن نیاز، تعرفه به شدت افزایش پیدا کند، اما تا سقف نیاز کشور تعرفه واردات پایین باشد، این سیستم تعرفه جدیدترین روش اعمال تعرفه ها است. همچنین تعرفه ی فصلی برای واردات از ابزارهای حمایت کشاورزی است، ابزارهای تعرفه متنوع است که جدیدترین و مهمترین آن تعرفه ی سهمیه ای است.

منابع حاصل از آزاد سازی قیمت حامل های انرژی باید صرف افزایش بهره وری در دراز مدت و ایجاد رقابت پذیری فضای تولید کشاورزی شود و رقابت پذیری نیازمند زمان است. یکی از نکات مهم هدفمندی یارانه استفاده از ترجیحات بوده، باید از ترجیحات اشاره شده در لایحه ی هدفمندی یارانه ها استفاده شود، به عنوان مثال در آزاد سازی قیمت برق برای کشاورزان به جای حذف یکباره ی یارانه ی انرژی به تدریج یارانه ی برق برای کشاورزی کاهش یابد و تعرفه ی برق برای کشاورزی ظرف

10 سال واقعی شود. ماهیت کشاورزی به گونه ای است که معمولاً 9 ماه از سال طول می کشد، تا کشاورز با کاشت یک محصول به درآمد برسد و برای حمایت از زارع، هزینه ی تعرفه برق کشاورزی باید 6 تا 9 ماهه پرداخت شود. در مورد سیاست تثبیت نرخ ارز و تاثیر افزایش بر واردات نیز این سیاست از جمله سیاست های کلان است که بخش کشاورزی را متاثر کرده، می تواند به واردات دامن بزند و قیمت صادرات را تعدیل و کاهش دهد که به ضرر صادرات است، اما این سیاست کلان است که در اختیار بخش کشاورزی قرار ندارد. سیاست تثبیت نرخ ارز چاقوی دولبه ای است که از یک طرف نهاده های کشاورزی وارداتی ارزان وارد می شود و هر چه نرخ ارز پایین باشد به نفع تولید کننده است، از طرف دیگر برای صدور کالا رقابت را با مشکل مواجه می کند. اگر با دلار ارزان نهاده تولید و ماشین آلات وارد شده به نفع تولید داخلی است، ولی اگر محصول نهایی وارد شود به ضرر تولید داخلی تمام می شود.

منابع

- 1-Abbas Razvi, S. and Nishat, M. (2009) The Impact of Foreign Direct Investment on Employment Opportunities: Empirical Evidence from Pakistan, India and China, 48: 841-851.
- 2-Afshar Anvari, S. and Marashi, H. (2014) The Effect of Investment on Employment and Income in the Industrial Sector Using the Pattern of Self Returning, 1-12.
- 3-Amir Nezhad, H. (2015) The Impact of Value Added and Investing on Agricultural Employment. Entrepreneurship and Agriculture, 3 (2): 34-27.
- 4-Azevedo, A. and Paxson, D. (2014) Developing real option game models. Eur. J. Oper. Res, 237(3): 909-920.
- 5-Barbosa, D., Carvalho, V. and Pereira, P. (2015) Public stimulus for private investment: An extended real options model, Economic Modeling, 3 (52): 742-748.
- 6-Danesh Jafari, D. and Karimi, S. (2011) Privatization of municipal services is a sustainable method in financing municipalities, a case study: Tehran Municipality, the fourth conference on municipal finance, problems and solutions, 2 (1): 127-155.
- 7-Gholamali Asgari, M. (1390) The Effect of Private and Governmental Investments on Economic Growth in Iran. Journal of Applied Economics, 2 (5): 100-120.
- 8-Jafari, H. and Mohammadi, A. (2012) Examining the realization of some goals of the general policies of Article 44 in the transfer of state-owned companies, accounting knowledge, 12 (46): 11-47.
- 9-Jude, C., Ioana, M. and POP, S. (2016) Employment effects of foreign direct investment: New evidence from Central and Eastern European countries, International Economics, 3 (145), 32-49.
- 10-Mirzaie, H. and Mirzaie, S. (2011) Factors affecting the improvement of domestic and foreign investment environment in the city of Tabriz, the fourth municipal finance conference, problems and solutions.
- 11-Pazhoyan, J. and Khosravi, T. (2012) The Impact of Inflation on Private Sector Investment, Journal of Investment Knowledge, 1 (4): 1-17.
- 12-Rajaie, S. and Khorasani, M. (2013) Study and feasibility study of the capabilities and capabilities of the region to attract private sector investment in District 10 of Tehran Municipality and Tehran Studies and Planning Center.
- 13-Sidayi, S., Bahari, J and Zarei, A. (2011) A Study of the Status of Employment and Unemployment in Iran during the Years 1335-1389, 1 (25): 217 -245.
- 14-Udoh, E. (2011) An Examination of Public Expenditure, Private Investment and Agricultural Sector Growth in Nigeria. International Journal of Business and Social Science, 2 (13): 285-292.
- 15-Yari, H. (2011) A review of financing methods and investments in municipal projects, the organization of municipalities and rural areas of the country.

The role of the private and public sectors in the agricultural economy

Pooria saadollahi²

PhD in Agricultural Extension and Education, Islamic Azad University, Birjand Branch

Abstract

Investment is the driver of economic growth in any country. Investment in most countries, especially in developing countries, including Iran, is done by the private and public sectors. Among the investments in different economic sectors, investment in the agricultural sector has a special importance and position. Investment in the agricultural sector, in addition to promoting growth, production and employment in this sector, also contributes to growth, production and employment in other sectors, given the past and present relationships with other activities. The agricultural sector has been the most important economic sector of the country due to the added value of production, but in recent years, a small share of the country's investment has always been allocated to this sector. Due to the high efficiency of investment and labor productivity in this sector compared to other sectors, for reasons such as high investment risk, unbridled inflation and lack of economic stability, investors are reluctant to operate in the agricultural sector. In Iran, the government is the most important supporter of the agricultural sector, which can lead to the growth and development of the private sector by creating a secure political, economic and supportive policies and long-term investment. This study examines the trend of private investment in Iran, the agricultural economy in Iran and the world, and strategies for securing and maintaining investment.

Keywords: Agricultural Economics, Private Sector, Public Sector

² Corresponding author: +989181336703

psaadollahi@yahoo.com